

Developments in the Worship of the Early Islamic Period of Iran

Ali Hozhabri^{1*}, Hassan Karimian²

1. PhD Candidate in Archaeology, Department of Archaeology, Literature Faculty, University of Tehran, Tehran, Iran
2. PhD Archaeology, Department of Archaeology, Literature Faculty, University of Tehran, Tehran, Iran

Article Info

Original Article

Received: 2022/05/11;
Accepted: 2022/07/13;
Published Online 2022/09/21

 [10.30699/athar.43.2.276](https://doi.org/10.30699/athar.43.2.276)

Use your device to scan
and read the article online



Corresponding Author

Ali Hozhabri

PhD Candidate in Archaeology,
Department of Archaeology,
Literature Faculty, University of
Tehran, Tehran, Iran

Email:

ali.hozhabri2011@gmail.com

ABSTRACT

Over the years, Iranians have been able to create special patterns in architectural advances in the construction of their temples. But the type of tribal life of the Arab caused the invading Muslims to create their own architectural art and often take more advantage of the architecture of the conquered lands to create various new buildings. Due to this, we see many similarities and similarities between Iranian buildings in the first few centuries of the Islamic era with Sassanid architecture. One of the measures taken by the Arab conquerors to accelerate the spread of the new religion among the inhabitants of Iran was to change the function of a number of Sasanian buildings to buildings with new uses in the Islamic era. The question related to the reason for this change of use from one period to another is answered. It is assumed that, most likely, the neo-Muslim Iranian, with this tactic, protected their important religious sites from widespread destruction and even in some cases used them as a burial place for national celebrities and prominent Iranian figures. The results of the present study made it clear that the change of use of some Sasanian buildings to Islamic religious buildings generally occurred in the second half of the first century AH/ 7 AD and with the intensification of the destruction of Iranian shrines by the Arab.

Keywords: Religious Monument, Sasanian Period, Early Islamic Era, Fire Temple, Mosque

Copyright © 2022. This open-access journal is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

How to Cite This Article:

Hozhabri, A., & Karimian, H. Developments in the Worship of the Early Islamic Period of Iran. *Athar*, 43(2), 276-293.

مقاله پژوهشی

تحولات در عبادتگاه‌های اوایل دوران اسلامی ایران

علی هژبری^{۱*}، حسن کریمیان^۲

۱. دانشجوی مقطع دکتری باستان‌شناسی دوران اسلامی، گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. دکتری باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده
دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۱ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۲ انتشار آنلاین: ۱۴۰۱/۰۶/۳۰	ایرانیان سال‌ها توانستند به پیشرفت‌هایی در معماری دست یافته و در ساختمان معبد‌های خود الگوهای خاصی را ایجاد کنند، اما نوع زندگی قبیله‌ای اعراب سبب شد مسلمانان مهاجم با هنر معماری خاص خود را ایجاد کنند و غالباً از معماری سرزمین‌های مفتوحه برای ایجاد بناهای مختلف جدید بهره بیشتری گیرند؛ بدین سبب اشتراک‌ها و شباهت‌های بسیاری بین بناهای ایرانی در چند سده اول دوران اسلامی با معماری ساسانی را شاهد هستیم. یکی از اقدامات فاتحان عرب برای سرعت‌بخشیدن به اشاعه دین جدید بین ساکنان ایران، تغییر کارکرد تعدادی از بناهای ساسانی به بناهایی با کاربری جدید در دوران اسلامی بود و از آنجا که مسجد مهم‌ترین بنای اسلامی محسوب می‌شود، پژوهش حاضر در پی آن است که به پرسش مربوط به دلیل این تغییر کاربری از دوره‌ای به دوره دیگر پاسخ گوید. فرض بر آن است که به احتمال بسیار، ایرانیان نومسلمان با این تدبیر، مکان‌های مهم مذهبی خود را از تخریب‌های گسترده مصون داشته و حتی در مواردی از آنها به‌عنوان مکانی برای دفن مشاهیر ملی و چهره‌های شاخص ایرانی استفاده کرده‌اند. نتایج پژوهش حاضر روشن ساخت که تغییرات کاربری برخی بناهای ساسانی به بناهای مذهبی اسلامی عموماً در نیمه دوم سده ۱ هجری/ ۷ میلادی و با تغییر کاربری برخی نیایشگاه‌های ایرانی به دست اعراب اتفاق افتاده است.
نویسنده مسئول: علی هژبری دانشجوی مقطع دکتری باستان‌شناسی دوران اسلامی، گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران پست الکترونیک: ali.hozhabri2011@gmail.com	

کلیدواژه‌ها: بنای مذهبی، دوره ساسانی، اوایل دوران اسلامی، آتشکده، مسجد

حق کپی رایت انتشار: این نشریه ی دارای دسترسی باز، تحت قوانین گواهی‌نامه بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International License منتشر می‌شود که اجازه اشتراک (تکثیر و بازآرایی محتوا به هر شکل) و انطباق (باز ترکیب، تغییر شکل و بازسازی بر اساس محتوا) را می‌دهد.

هژبری، علی و کریمیان، حسن. تحولات در عبادتگاه‌های اوایل دوران اسلامی ایران. فصلنامه علمی اثر، ۴۳(۲)، ۲۷۶-۲۹۳.

۱- مقدمه

تاریخ بارها شاهد تبدیل نیایشگاه‌ها در تمدن‌های مختلف به پرستشگاه‌هایی برای دین‌های جدیدتر بوده است که شاید بتوان مهم‌ترین آنها را در سرگذشت مسجداً اقصی در فلسطین (As'adi, 1988; Golvin, 1997; Hamidi, 1985; Hassaneyn, 2006) و نیز مسجد ایاصوفیه در ترکیه امروز (Dashti, 2006) و نیز مسجد اقصی (Khosroshahi, 1993; Yücel, 1986) ملاحظه کرد. جالب است که قبله مسلمانان جهان نیز از این قاعده مستثنا نبوده و کعبه، خانه خدا، پیش از اسلام از مراکز عبادی اعراب جاهلی محسوب می‌شد (Moghniyeh, 1981; Quran). این مطلب در ذیل آیه ۱۲۷ بقره آمده است. همچنین بررسی تاریخ کعبه در آیات ۱۲۷ بقره، ۹۶ آل عمران، ۳۷ ابراهیم و ۲۶ حج آمده است. منابع تاریخی نیز گاهی به آتشکده و کلیساهایی اشاره می‌کنند که حال سال‌ها به مسجد خداپرستان تبدیل شده‌اند (Seyf al Dowleh, 1985). تغییر کاربری بناهای مذهبی پیش از اسلام در دوره ساسانی نیز وجود داشته است. داستانی درباره نرسه نصرانی بر این مسئله صحنه می‌گذارد: «... با این همه موبد، کلیسا را متصرف و آن را به آتشگاه بدل کرد. نرسه... با تعجب و سائل و آلات خاص زرتشتیان را در آنجا دید... بی‌تردید آتش را خاموش و محل را پاک‌سازی کرد. سپس وسائل کلیسا را در جای خود نهاد و مراسم مذهبی را بر پا ساخت» (Godard et al., 1988). «... این تغییر با ورود اسلام در مورد کلیساها همچنان ادامه یافت؛ چنان‌که برخی کلیساهای قبطی در مصر به مسجد تبدیل شد؛ مانند مسجد رشیدی (Creswell Keppel, 1969).

۱-۱- پرسش

با تغییر کاربری پرستشگاه‌های پیش از اسلام به عبادتگاه‌های اسلامی مهم‌ترین سؤالی که مطرح می‌شود این است که روند و انگیزه‌های این تغییرات در طی تحول یا تطور فرهنگی چگونه بوده است؟ آیا این تحول در نتیجه برخورد حاکمان مسلمان برای تبدیل بناها به مسجد نمایان می‌شود، یا این تغییرات احتمالاً به دست ایرانیان نومسلمان صورت گرفته است؟ این موارد به‌ویژه در تغییر کاربری آتشکده به اماکن مقدس دوره اسلامی دیده می‌شود. با این وصف فرض بر این

است که دادن کاربری جدید به بناها، تدبیری از سوی ایرانیان بوده برای نگهداری کاربری مذهبی پرستشگاه‌های خود.

۲-۱- روش پژوهش

برای پژوهش پیش رو از نتایج فعالیت‌های باستان‌شناسی و نیز خواناسازی منابع تاریخی مختلف در زمینه تبدیل و تغییر کاربری بناهای مذهبی دوره ساسانی به دوران اسلامی بهره بردیم. منابع تاریخی دست اول شامل کتب تاریخی و جغرافیایی و نیز منابع مذهبی است و فعالیت‌های باستان‌شناسی به کاوش‌های باستان‌شناختی، بررسی‌های باستان‌شناسانه و نیز تحلیل پژوهندگان از برخی منابع و متون تاریخی است. همچنین بررسی‌های معمارانه متعددی به شباهت‌های معماری ایران پیش از اسلام با معماری ایران در سده‌های اولیه اسلامی پرداخته است. در این میان تعدادی کشفیات اتفاقی شامل پایه‌های آتشدان به‌ویژه از اماکن مقدس اسلامی نیز به روند پژوهش کمک کرد. برای استناد به تغییرات کاربری بناهای مذهبی در نهایت به بررسی تعدادی سازه‌های معماری و نیز باستان‌مردم‌شناسی پرداخته‌ایم.

۲-۲- پیشینه پژوهش

تغییر کارکرد بناهای مذهبی (Hozhabri, 2022) از دوره ساسانی به دوران اسلامی علاوه بر اشارات تاریخی، از موضوعات پژوهشی بسیاری از پژوهشگران بوده که معمولاً اشاراتی گذرا یا بخشی از یک پژوهش بزرگ‌تر محسوب می‌شود، اما تحقیقات مستقل اندکی در ایران صورت گرفته که از مهم‌ترین آنها می‌توان به مقاله «آتشدان‌های در ابنیه متبرکه اسلامی»، نوشته محمدتقی مصطفوی در جلد اول یادنامه پنجمین کنگره باستان‌شناسی و هنر ایران به سال ۱۳۴۷ (Mostafavi, 1968) و نیز «تبدیل دو آتشکده به مسجد» توسط مهرداد شکوهی در شماره دوم مجله باستان‌شناسی و تاریخ اشاره کرد (Shokouhi, 1991).

مهدی رهبر در چکیده مقالات سومین همایش باستان‌شناسان جوان و مروری بر چشم‌انداز باستان‌شناختی

ساسانی این محل و ساخت مسجد دوره آغاز اسلامی بر روی آن چندان زیاد نبوده است (Whitehouse, 2009). همچنین گزارش‌های تاریخی حکایت می‌کنند با تخریب قهندژ نیشابور، مسجد جامع در جای آن ایجاد کردند (Nishaburi, 1996). گاهی نیز گفته‌ها گویای وجود بناهای مذهبی قدیمی‌تر به‌جای بنایی جدید در آن محل بوده است؛ همان‌طور که «در کشر دیهی است بنام علی‌آباد و بنائی مانند برج طغرل در آنجاست و اهالی گویند آتشکده بوده» (Ibn Fandoq, 1938).

با این وصف جایگاه قدسی آتشکده با تغییر کاربری به مسجد همچنان حفظ شد؛ هرچند در تعالیم اسلامی در رابطه با آتشکده در باب‌های صلات، وقف و قضا مباحثی متفاوت آورده شده است؛ از جمله خواندن نماز در آتشکده مکروه است، وقف بر آتشکده صحیح نیست، احداث آتشکده در بلاد اسلامی جایز نیست و در صورت احداث بر حاکم شرع واجب است آن را ویران کند (Yusefian, Dateless).

هم‌زمان با آغاز دوران اموی تخریب آتشکده‌ها سرعت بیشتری گرفت و در دوره مهدی عباسی در سده ۲ ق. / ۸ م. نیز برخی آتشکده‌ها مانند آتشکده‌های عراق خراب شدند (Sedighi, 1996)، اما با این تفصیل امروزه آگاهی برخی از آتشکده‌ها همچون ایزد تا زمان هارون‌الرشید روشن بوده است (Abu Dulaf, 1975). اگرچه گاهی افرادی مانند مازیار در زمان هارون‌الرشید قصد گشودن نواحی فتح‌نشده ديلم و طبرستان و ساختن مسجد در آن را داشتند (Ibn al-Faqih, 1970). در سده ۳ ق. / ۹ م. ابن فقیه از آتشکده «آذر جشنسف» در فراهان نام برده که والی قم آن را ویران کرده است (Ibn al-Faqih, 1970). همچنین قزوین در سده ۳ ق. / ۹ م. آتشکده‌هایی فعال داشته است (Ya'qubi, 2002). از سده ۴ ق. / ۱۰ م. اخبار بسیاری حکایت از فعالیت آتشکده‌ها دارد و هیچ ناحیتی و روستایی نیست که نه در او آتشگاهی است (Istakhri, 1968).

با این تفاسیر علاوه بر بررسی‌های باستان‌شناختی در بقایای معماری، گزارش‌های تاریخی راهگشای ما در شناخت بهتر آتشکده‌ها در سده‌های اولیه اسلامی است. یکی از راه‌های شناخت آتشکده‌ها با تغییر کاربری آنها به مسجد قابل پیگیری

خراسان و بم «آیا امامزاده روستای محمدولی بیگ یک آتشکده است؟» یک مورد از ارتباط امامزاده با آتشکده را معرفی کرد (Rahbar, 2006). پس از آن کریمیان به‌صورت مستقل یا با همکاری دیگران در رابطه با این موضوع مقالاتی به رشته تحریر درآورد؛ از قبیل «استمرار روند تبدیل آتشگاه به مسجد تا سده هفتم هجری، نمونه موردی: مسجد سنگی داراب» در فصلنامه باستان‌شناسی ایران (Karimian & Seyedin, 2016) «فرایند تبدیل دو آتشکده به مسجد در ایزدخواست و استخر با استناد به شواهد موجود و منابع تاریخی» در فصلنامه مطالعات ایران‌شناسی (Karimian & Seyedin, 2017) «مساجد قرون اولیه هجری در پایتخت ساسانیان نیشابور»، مجله مسجد (Karimian, 2004) «مساجد قرون اولیه اسلامی در خرابه‌های شهر باستانی بم»، مجله مسجد (Karimian, 2004) و تعدادی دیگر پژوهش‌ها از برخی نویسندگان دیگر. انیسی نیز در پایان‌نامه دکتری خود به راهنمایی رابرت هیلن براند توانست به بررسی معماری ایران در اوایل دوره اسلامی بپردازد (Anisi, 2007).

۱-۲- اهداف و ضرورت پژوهش

این مسئله روشن است که مسلمانان در سده ۱ ق. / ۷ م. برخی از بناهای مذهبی زرتشتی را به مسجد تبدیل کردند؛ هرچند جمشید کرشاسپ چوکسی در کتاب ستیز و سازش به ابعاد تاریخی قضیه پرداخته، این اقدام تاکنون از سوی ایرانیان معتقد به دین زرتشتی از منظر باستان‌شناختی بررسی نشده است (Choksy, 2014). هدف این پژوهش آن است تا به بررسی انگیزه‌های تغییرات کاربری بناهای مذهبی بپردازیم.

۳- توصیف و بررسی

۱-۳- تغییر کاربری بناهای مذهبی

تخریب و تغییر کاربری بناها در اوایل دوره اسلامی تنها در بناهای مذهبی رخ نمی‌داد و گاهی دامن بناها با کاربری‌های دیگر را نیز می‌گرفت؛ از قبیل ساختارهای ساسانی سیراف و به‌ویژه قلعه آن در دوره آغاز اسلامی که پس از اندک زمانی دوباره مورد استفاده قرار گرفته است. فاصله بین تخریب قلعه

ساسانیان قوس بیضی را فراوان به کار می‌برده‌اند و کاخ اخیضر خصوصیت ساسانی داشت.

درواقع تا هنگامی که به‌طور یقین معلوم نشده بود یکی از اتاق‌های همکف ساختمان مسجد بوده، این بنا را از دودمان ساسانی می‌پنداشتند. این کاخ به‌طور یقین باید به سال ۱۵۶ هجری / ۷۷۲ میلادی تعلق داشته باشد (Talbot Rice, 2002). تاق ساده آهنگ در شیوه خراسانی باب بود (Pirmia, 2003). جوسق الخاقانی سامره (۲۱۱-۲۱۹ هجری / ۸۲۶-۸۳۴ میلادی) به دست خلیفه معتصم بنا شد (Talbot Rice, 2002) و در همه اینها رگه‌هایی قوی از فرهنگ ایرانی دیده می‌شود؛ بنابراین با ورود اعراب به ایران، چارتاکی همچنان شاکله اصلی بسیاری از مساجد و امامزاده‌ها بود (Asl et al., 2018; Ettinghausen, 2002).

دو نتیجه مهم از معماری باستان، یکی گنبد روی گوشواره و دیگری تکوین ایوان، در رشد معماری ادوار بعدی نقش حیاتی داشت (Pope, 2003 a, 2003 b) و این انتقال فرهنگ و سنت‌ها بلافاصله اتفاق افتاد؛ چنان‌که معمار غیر مسلمان که پیش‌تر برای آخرین پادشاه ساسانی کار کرده بود (Pope, 2003 a) در بنای مسجد کوفه، سرستون‌هایی به شیوه تخت جمشید به کار برد (Hillenbrand, 2008).

گچ‌بری‌های ری از اواخر ساسانی یا اوایل اسلامی، مسجد بلخ از سده ۳ هجری / ۹ میلادی، کاخ افراسیاب نیشابور از سده ۳ هجری / ۹ میلادی یا شاید قدیمی‌تر (Frye, 2006) سیمره از اوایل دوره اسلامی (Lakpour, 2011) و بسیاری دیگر از بناها، نشانی از اهمیت این هنر در نزد ایرانیان در دوره اسلامی دارد. گچ‌بری دوره اولیه اسلامی نیز تا حدود زیادی تحت تأثیر هنر دوره ساسانی است؛ به‌حدی که در دوره آل بویه یک رنسانس هنری را شاهدیم؛ از این‌رو گاهی در تعیین قدمت آنها دچار سردرگمی خواهیم شد. گچ‌بری‌های برج رسکت و همچنین آثار گچ‌بری نیشابور و مسجد جامع نایین تأثیر هنر ساسانی را تأیید می‌کند (Sheykhi & Āshuri, 2014).

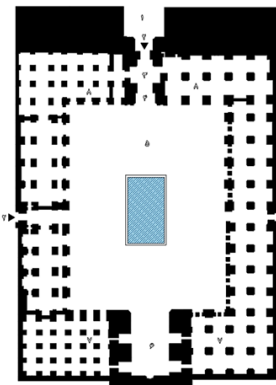
است؛ برای مثال در تاریخ معماری نمونه‌هایی مانند مسجد جامع ایزدخواست جزء آتشکده‌هایی است که به مسجد تبدیل شده‌اند (Godard et al., 1988; Karimian & Seyedin, 2017)، اما نکته قابل‌تأمل اینکه برخی از این تغییرات توسط خود ایرانیان صورت گرفته است؛ همچون اماکن متبرکه به‌خصوص امامزاده‌هایی که امروز در تعدادی از آنها آتشدان‌هایی از دوره ساسانی به دست آمد. این موضوع با بررسی هنرهای دیگر و در کنار ادامه فرهنگ ساسانی در دوران اسلامی قابل پیگیری است.

۲-۳- معماری ایران در سده‌های اولیه دوران اسلامی

با برافتادن نظام سیاسی ساسانیان اما بخش‌هایی از فرهنگ و هنر آنها به‌خصوص در معماری ایران باقی ماند (Peymān, 2000). وزیران ایرانی برای انتشار روش‌های ایرانی در شهرهای اسلامی در کارهایی که پیش از آن خود اعراب انجام نمی‌دادند، همت گماشتند. این امر سبب شد فرهنگ ایرانی بر فرهنگ عربی در میان شهرها برتری یابد (A'lam, 2007). اولین نمونه‌های مسجد در بصره (Pope, 2003 a) و کوفه (Pope, 2003 a) به نقل از ابن جبیر در سده ۶ ق، مسجد اولیه اصفهان (Galdieri, 1976) متشکل از تالار ستون‌دار و پوشش تیرهای چوبی ادامه هنر ایران را در معماری نشان می‌دهد. همچنین مسجد شوش از اواخر سده ۱ ق. / ۷ م. (Zamani, 1976)، مسجد تاریخانه دامغان از سده ۲ ق. / ۸ م (Haji Ghasemi, 2004; Kiani, 1998; Zamani, 1976)، آرامگاه اسماعیل سامانی در بخارا از سده ۳ ق. / ۹ م (Zamani, 1976)، مسجد جامع فهرج از سده ۳ ق. / ۹ م (Kiani, 1998; Pirmia, 2008) مسجد جامع عتیق شیراز (Schroeder, 2008 b) پس از ورود اسلام به ایران اما با الهام از معماری ایران در دوره ساسانی ساخته شده‌اند (Imanpour et al., 2014). همچنین تأثیری که یادمان‌های تیسفون در ۶۳۷ میلادی بر مهاجمان مسلمان گذاشت، به‌وضوح در نوشته‌های طبری و دیگران آمده است (Keall, 2002). به نظر می‌رسد تحول سبک بنای قصرها نظیر بنای مسجدها بیشتر مدیون مبانی و اصول معماری رایج ساسانی است تا هنر یونانی رایج در سوریه (Hoag & Henry, 1996).

۳-۳- بنیاد مسجدها بر بنیان آتشکده‌ها

در سده‌های اول اسلامی در فارس تعداد فراوانی آتشکدهٔ فروزان وجود داشته است (Ibn Hawqal, 1966) که رفته‌رفته با انگیزه‌های مذهبی و تخریب برخی از آنها تغییر کاربری دادند. بررسی‌ها نشان داده است تعدادی از بناهای پیش از اسلام در دوران اسلامی با تغییراتی در سازه، کاربری جدیدی یافته‌اند. برای همین با تازش اعراب به ایران ایوان مدائن به‌عنوان اولین نمازگاه ایشان مورد استفادهٔ جدید قرار گرفت (Pope, 2003 a). یکی از نمونه‌های تغییر در پلان برای کاربری مذهبی جدید را می‌توان در آتشکدهٔ نیشابور بررسی کرد که منابع تاریخی نیز تغییر کاربری آتشکده و تبدیل آن به مسجد در دورهٔ اسلامی را تأیید می‌کنند (Burgan, 2010; Frye, 2006; Godard et al., 1996; Nishaburi, 1996). مسجد نیشابور (شکل ۱) را با ستون‌ها و تیرهای چوبی گسترده بودند (Schroeder, 2008 a). عبدالله عامر، هنگام فتح شهر، آتشکدهٔ قهندز را ویران می‌کند و به‌جای آن مسجدی جامع می‌سازد. سپس به خواهش زرتشتیان شهر، ساخت آتشکده‌ای دیگر را دور از جامع اجازه می‌دهد (Nishaburi, 1996).



شکل ۱. پلان مسجد جامع نیشابور

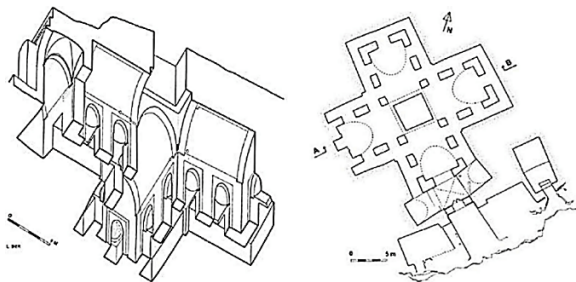
اما همیشه چنین نبوده و حتی در سدهٔ ۴ ق. / ۱۰ م و در دوران اوج حمایت‌های دولتی ویژه‌ای زرتشتیان، شاهد سختگیری‌هایی نسبت به آنها و حتی تخریب خانه‌هایشان هستیم. یکی از بزرگ‌ترین ضربات بر پیکرهٔ زرتشتی‌گری را می‌توان در اقدامات شیخ اسحاق کازرونی دید. در یک مورد شیخ در غرب شهر کازرون، صحرای نورد (Ibn Uthmān, 1954)

با ساخت مسجدی به مقابله با زرتشتیانی پرداخت که محرابی سنگی را به دفعات تخریب کرده بودند و در نهایت، مسجد بر پا شد و بعد از آن نماز جمعه آنجا کردند (Ibn Uthmān, 1954). روایت شده است که ۲۴ هزار نفر از زرتشتیان کازرون به دست او مسلمان شدند (Ibn Uthmān, 1957; Attār of Nishapur, 1957). «جهاد با زرتشتیان و گروه کافران... او را شیخ غازی» معروف کرد (Zarkoub Shirāzi, 1971; Zarkoub Shirāzi, 1971); البته غیث، فرماندهٔ عرب‌نژاد در سرکوب زرتشتیان کازرون نقش اساسی داشت (Ibn Uthmān, 1954); بنابراین از حدود سال ۳۷۱ هجری / ۹۸۱ میلادی به تخریب خانه‌های زرتشتیان در روستاهای مجاور پرداختند (Ibn Uthmān, 1954; Zarrinkoub, 1978).

شهر قم نیز گویا پیش‌تر از آنکه یکی از کانون‌های تشییع باشد، در دورهٔ ساسانی نیز جایگاه مذهبی خاصی داشته است. منطقهٔ جمکران که دوازده محله بود «بر هر محلتی و در پی آتشکده‌ای بود». بیشتر این آتشکده‌ها پس از اسلام به مسجد تبدیل شد (Qureysbi Carin, 2010). در حدیثی آمده که رایت وی [امام زمان عج] بر این کوه سفید بزنند، به نزد دهی کهن که قصر مجوس است و آن را «جمکران» خوانند، از زیر یک منارهٔ آن مسجد بیرون آید، نزدیک آنجا که آتش‌خانهٔ گبران بوده (Bahā-al-Dini, 2002). با فشارهای شیعیان در نهایت حوص، اولین مسجد قم را در محل آتشکده‌ای که ویران ساخت، بنا کرد (Farshchian, 2005).

از دیگر مساجد که پیش‌تر چارتاقی زرتشتی بود، یکی هم در ایزدخواست فارس قرار دارد (Karimian & Seyedin, 2017; Zamani, 1976). بنای خشتی چارتاقی ایزدخواست از دورهٔ ساسانی است (شکل ۲) که در اوایل دورهٔ اسلامی به مسجد جامع تبدیل شد (Godard et al., 1988; Pirnia, 2008; Siroux, 1980). همچنین آتشکدهٔ شهر استخر (Pope, 2003 a)، مسجد الثور قزوین (Schroeder, 2008 b) مسجدی گنبددار روی ویرانه‌های نزدیک بخارا (Hillenbrand, 2008; Schroeder, 2008 a) و مسجد جامع بخارا بر بتخانه‌ای در حصار بخارا (Narshakhi, 2008) همگی سابقه‌ای قدیمی‌تر از کاربری

پس از اسلام به مسجد تبدیل شدند؛ مثلاً بنای ماخ در بخارا که قبل از اسلام آتشکده بود، اکنون مسجد «مغاک عطار» نام دارد (Narshakhi, 2008; Tabarsi, 1991) که در گذشته ابتدا به شکل دیر بودایی و سپس کلیسا بوده است (Narshakhi, 2008).



شکل ۳. پلان مسجد سنگی دارابگرد (Bier, 1986)

نوبهار بلخ را که بعدها به آتشکده منسوب شده، آورده است. در عصر خلافت هارون‌الرشید که فضل برمکی حاکم خراسان شد (۱۷۹ هجری / ۷۹۵ میلادی) برای سرکشی به بلخ رفت و در آنجا دستور داد تا نوبهار را ویران سازند و آنگاه مسجدی در جای آن بر پا کردند (Kānpouri, 1969).

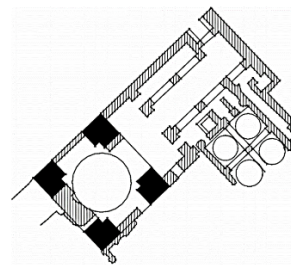
مسجد اولیه اصفهان با ستون و پوشش تیرهای چوبی ایجاد شد (Galdieri, 1976; Karimian, 2000) و سپس با گسترش مسجد، گنبد نظام‌الملک روی بقایای یک آتشکده ساسانی بر پا گردید (Galdieri, 1976). در لایه‌های زیرین کاوش‌های باستان‌شناسی مسجد جامع اصفهان قطعاتی از گچ‌بری تزئینی مشابه دوره ساسانی به دست آمده است (Galdieri, 1976; Jalili, 2003).

۴-۳- تبدیل آتشکده به بقاع متبرکه و مدفن

امامزادگان

اگر تغییر کاربری بناهای پیش از اسلامی به اماکن مقدس دوره اسلامی از سوی عقاید دینی طبقه حاکمه بوده، به نظر می‌رسد تغییر کاربری آتشکده‌ها به برخی اماکن متبرکه در طی گذر از دوره ساسانی به دوران اسلامی حاصل تدبیر ایرانیان برای جلوگیری از تخریب بناهای مذهبی بوده است؛ چراکه در بیشتر بناها همچنان آتشدان محفوظ باقی مانده بود. گویا این تدبیر تنها برای حفظ آتشکده‌ها نبوده و در گوشه و کنار ایران فرهنگی

فعلی خود داشتند. آتشکده‌ای موسوم به آذرخش یا آتشکده دختر داراب‌شاه (Forsat al-Dowle Shirazi, 1998) شامل معماری دست‌کند در کوه پهنا دارابگرد (شکل ۳) در سده هفتم هجری / ۱۳ میلادی به مسجد تبدیل شد (Karimian & Seyedin, 2017). در آسیای میانه نیز برخی آتشکده‌های ایرانی



شکل ۲. پلان مسجد جامع ایزدخواست

با کاوش‌های مسجد مغاک عطار سفالینه‌هایی در عمق ۱۲ متری کشف شد (Seyed Moradi, 2011). سمعانی نیز از مسلمان شدن یک زردشتی به نام الماخی و ساختن مسجدی توسط وی در بخارا خبر داده است (Al Mas'āni, 1963). براساس فرمانی از سوی قتیبه‌والی اموی بخارا مردم شهر موظف به واگذاری نیمی از خانه‌هایشان به مسلمانان شدند؛ از این رو تعدادی از زرتشتیان در خارج از شهر بخارا، شهری مختص خود بنا کردند (Narshakhi, 2008). ابوریحان بیرونی از برگزاری مراسم زردشتی در آتشکده‌های بخارا در طول سال خبر داده است (Abu Rayhān Biruni, 1991). این گزارش در عین حال بیانگر تعداد قابل توجه زردشتی در بخاراست؛ هرچند شیوه رایج مسلمانان آن بود که اماکن مذهبی اهل ذمه را جز به تعداد مورد نیاز باقی نگذاشته و بقیه را یا تبدیل به مسجد کرده یا ویران می‌نمودند (Ghāzi, 1979; Ghomi, 1982).

یکی از روایات از تبدیل یک‌شبه آتشکده و افزودن آن به مسجد به هرات اشاره دارد: «نقلست که در ایام حکومت عبدالله بن طاهر جماعتی از مجوس در هراه متصل مسجدی آتشکده داشتند و چون جزیه می‌دادند کسی متعرض ایشان نمی‌شد... خلقی کثیر شبی آن مسجد و آتشکده را خراب ساختند و همان شب مسجدی جدید بجای آن مسجد و آتشکده طرح انداختند» (Mirkhvānd, 2001). در فرهنگ انجمن‌آرا خصوصیات دیر

مانده است (Rahbar, 2006). از این دست اقدامات همچنین در آتشکده میل میلگه در اسلام‌آباد غرب کرمانشاه می‌توان دید (شکل ۴) که در باور مردم، محل دفن امامزاده‌ای بوده و نذرهایی به آن می‌کنند (Moradi, 2009). از دیگر نمونه‌هایی که پیش‌تر معرفی شده بود «چارتاکی امامزاده» در گیلان غرب است که لوتی واندنبرگ آن را به دوره ساسانی نسبت داده است (Vanden Berghe, 1977).



شکل ۴. چارتاکی میل میلگه، کرمانشاه (Siavash Āriā)

با بررسی باستان‌شناسی سواحل خلیج فارس، پایه‌هایی از محوطه امامزاده حاصل ظالمی (Asgari Chavardi, 2013) (شکل ۵) شامل سه آتشدان مزین به شیارهای تزیینی به شکل ساقه نخل (Asgari Chavardi, 2013) (Gaubé, 1980: 149-166) همچنین قطعات شکسته قاب سرپوش آتشدان و قطعات سکوی کف چارتاکی در این محوطه شناسایی شده است (Asgari Chavardi, 2013). همچنین پایه آتشدان سنگ آهکی بقعه امامزاده شاه‌نورالدین (Asgari Chavardi, 2013) از روستای عیسوند برازجان (شکل ۶) بوشهر منتشر شده است (Carter et al., 2006; Tofighian, 2004).



شکل ۶. آتشدان امامزاده نورالدین (Tofighian, 2017)

می‌توان نمونه‌هایی جست که نشان از پیوند مکان‌های باستانی با نام‌های اساطیری (مانند نقش رستم، تخت جمشید، تخت سلیمان) و نیز شخصیت‌های اسلامی (همچون قدمگاه) برای نگهداری حرمت محوطه و جلوگیری از تخریب آنهاست. از جمله از مهم‌ترین تغییر کاربری بناهای پیش از اسلام به بنای مذهبی دوره اسلامی را شاید بتوان در پاسارگاد دید. آرامگاه کوروش در پاسارگاد که در سده‌های اول اسلامی «گور مادر سلیمان» نامیده می‌شد (Balkhī, 1995)، در سده هفتم هجری/ ۱۳ میلادی (Mirzā Abolghasemi, 2011) توسط اتابکان فارس به مسجدی تبدیل شد و پس از آن همچنان به‌عنوان مکان مقدس «مشهد سلیمان» مورد توجه ساکنان بود (Hosseyini Fasāi, 2003).

همچنین حرم شاهزاده اسماعیل در کنار استودان‌های ساسانی حسین کوه مرودشت جایگاه خاصی نزد بومیان منطقه دارد. همچنین است نقش برجسته «رگ بی‌بی» نزدیک پل خمری، مرکز ولایت بغلان افغانستان که اهالی آن را به حضرت فاطمه (س) منسوب می‌کنند (Grenet, 2005). نگهداری آتشدان سنگی باغ نو فارس احتمالاً از دوره هخامنشی با عنوان گور بی‌بی سلطان یا بی‌بی فاطمه و با روشن کردن شمع توسط معتقدان محلی در همین مقوله محافظت مذهبی می‌گنجد. با این اوصاف نمونه‌هایی از امامزاده‌های اسلامی، نوع دیگری از نگهداری محوطه‌های مقدس ساسانی را به نمایش می‌گذارد که شاید بتوان یکی از مهم‌ترین آنها را در امامزاده محمدولی بیگ نوخندان در درگز خراسان دید. داخل امامزاده نه یک مقبره که بقایای آتشدان گچی از دوره ساسانی محفوظ



شکل ۵. آتشدان امامزاده حاصل ظالمی (Asgari Chavardi, 2013)

گورهای عصر مفرغ در قلعه‌خان بجنورد در خراسان را هم در لیست خود جای داده است (Judi et al., 2011). به نظر می‌رسد بابایادگار در کرمانشاه از این دست تغییرات در کاربری سازه بوده که تا دوره معاصر همچنان به حیات خود ادامه داده (Mohammadian et al., 2016) یا لاقل شکلی از سنن قدیمی را به نمایش گذاشته و به‌زعم برخی از پژوهشگران در مسیحیت یا اسماعیلیه یا حتی مهرپرستی ریشه دارد (Jalali Moghadam & Safavat, 1993). زائران اهل حق با طواف در مقبره و اجرای مراسم ویژه (I see: Dec. 2006) همچنان با اعتقاد بر دوازده امام شیعه اعمال دینی گذشته خود را حفظ کرده‌اند (Mokri Jeyhunabadi, 1982)؛ با این وصف اگر خود مقبره، آتشکده‌ای از دوره اسلامی نبوده که بعدها تغییراتی در کاربری آن داده باشند، شاید مراسم و مناسک یارسان در بابایادگار (شکل ۸) تا حدودی بتواند شباهت‌هایی با آداب مرسوم آتشکده‌ها مخصوصاً در دوره اسلامی پیوندهایی داشته باشد؛ به‌خصوص اینکه چهار رکن یارسان شامل پاکی، راستی، نیستی و بخشش (Safizadeh, 1996) پیوندهایی را با دین‌های پیش از اسلام نشان می‌دهد.

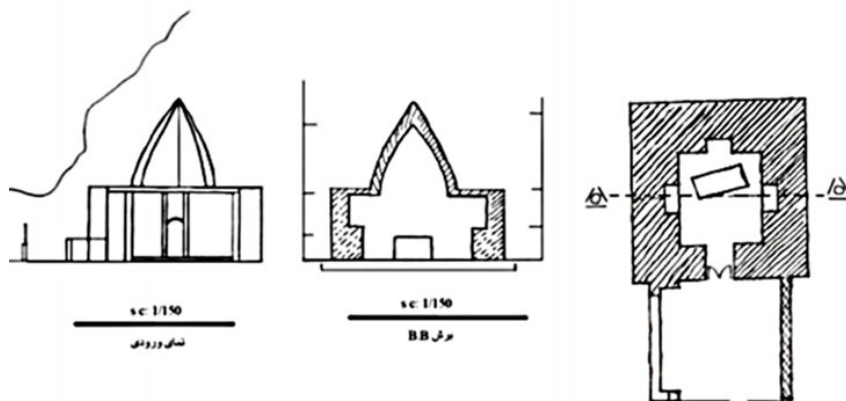
یک آتشدان سنگی با نقش پادشاه و کتیبه‌ای به فارسی میانه از امامزاده ابراهیم شیراز، در برم دلك به دست آمد (شکل ۷) که سنگ‌نوشته‌ای از آبنون، رئیس تشریفات شبستان شاپور اول درمورد بنای آتشیگاهی به یادبود پیروزی شاپور (Weber, 2016) بر سپاه مهاجم روم در آن ایجاد شده است (Gignux, 1985, 1991; MacKenzie, 1993; Tavoosi, 1996; Tavoosi & Frye, 1989). در ایوان امامزاده عبدالله شوشتر نیز آتشدانی اشکانی در کنار مقبره بی‌بی گزیده مخصوص نذر و نیاز زنان برای آستن‌شدن قرار داشته است (Eqtedāri, 1974).



شکل ۷. آتشدان سنگی با کتیبه پهلوی از دوره شاپور اول ساسانی، کشف‌شده در امامزاده ابراهیم نصرآباد، شیراز (Tavoosi, 1996)

۵-۳- بررسی باستان مردم‌شناسانه

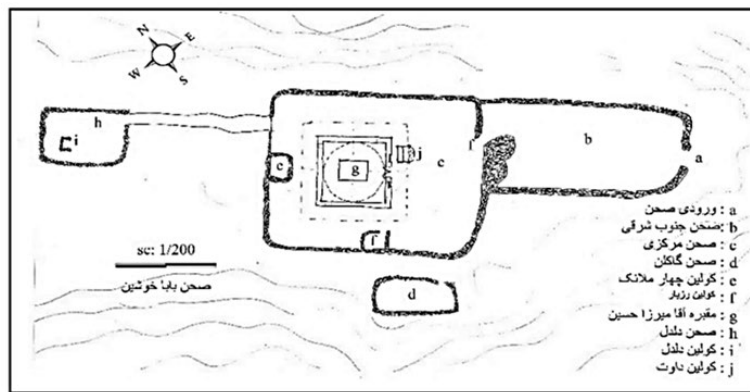
اهتمام به ساخت امامزاده گرچه امروزه به‌صورت نیازی مردمی درآمده که حتی گاهی گورهای پیش از تاریخ همچون



شکل ۸. پلان بقعه بابایادگار (Mohammadian et al., 2016)

(Al Farahidi, 1985; Ghazvini Rāzi, 1984; Ibn Sekkit, 1992). جالب اینکه در «دوره هفتانه» به خدایان بی‌شماری اشاره شده است: «اگر بیابند... و اگر بارگاه‌هایی داشته باشند...» که شباهتی به امشاسپندان یا سپاهیان بی‌شمار مینوی اورمزد دارد (ن.ک: نامه سرانجام (در دوره هفتانه): ۴-۵). آداب و مناسک اهل حق تا حدی نیز به آداب تصوف شباهت دارد. چنانچه لزوم اجتماع آنها در «جمع‌خانه»، تقدیم «نذر و نیاز»، یا «خیر خدمت»، «اشتغال به ذکر خفی و جلی»، «توجه به «ساز و سماع» و ضرورت «سرسپردن به پیر و مرشد» مناسک اهل حق را به‌نوعی تصوف مخصوص تبدیل کرده است (Zarrinkoub, 1998). تعدادی دیگر از زیارتگاه‌های اهل حق همچون «مجموعه آثار صحن بابا خوشین بلوران» در کوه‌دشت لرستان (شکل ۹)، امروزه همچنان مورد استفاده در امور مذهبی پیروان یارسان است (Mohammadian et al., 2016).

از یک‌سو ایشان معتقدند جنگ‌های عظیم آخرالزمانی رخ خواهد داد (Al Ghāzi, 1980) که یادآور عقیده‌های زرتشتی است؛ چنان‌که «بارگه بارگه» یارسان آیین خویش را به زرتشت نسبت می‌دهند (Safizadeh, 1996) و از سوی دیگر زرتشت را پیامبر خدا خوانده و او را ستوده‌اند (Afzali Shāh-Ibrāhimi, 1973; Safizadeh, 1996) و نیز صخره‌ای به نام «پردیور» در روستای شیخان اورامان حکم کعبه ایشان را دارد که در طی مراسم ویژه‌ای ستوده می‌شود (Mokri Jeyhunabadi, 1982) که با رسوم اعراب پیش از اسلام در کعبه اندک شباهت‌هایی دارد (Ibn Hisham, 1956; Ibn Ishāq, 2008; Karimi, 1992; Vaghef, 2016; Obeidi, 2002; Soheyli, 1992). قربانگاه‌هایی در جوار پرستشگاه‌ها برای اهل حق اهمیت بسیار دارد؛ برای نمونه می‌توان به محوطه «گاکولن» در صحن بابا خوشین اشاره کرد (Farzin, 2007; Mohammadian et al., 2016) و مناسک آن را با قربانی حج در جاهلیت قیاس کرد



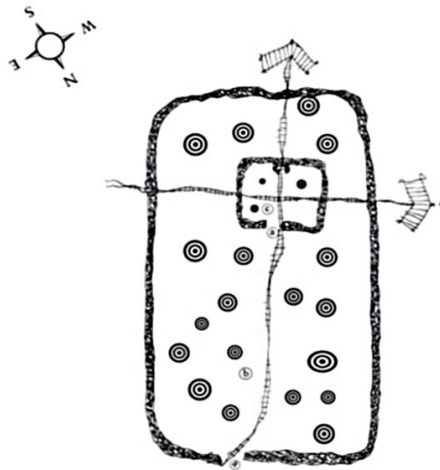
شکل ۹. پلان بابا خوشین (Mohammadian et al., 2016)

فضای مقدس از فضای بیرونی است که برای نشان دادن اهمیت نیایشگاه مرکزی ورودی آن با ورودی دیوار سنگ‌چین احاطه‌کننده آن در یک جهت نیست و یادآور راهروهای طواف آتشکده است. در نمونه‌ای مشابه در یک چارتاقتی ساسانی که به حال خود رها شده در «خیر» شهرستان استهبان فارس، مورد احترام اهالی بوده و بومیان آن را «قبر مادر اردشیر» می‌پندارند، گزارش شده که قبلاً هر کس که از آنجا عبور می‌کرد با توجه به

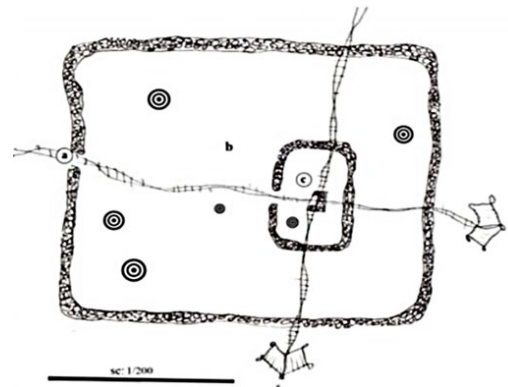
در نزدیک شیان در اسلام‌آباد غرب، زیارتگاه «چرمینه سوار» به معنای «سوار [کار] سفید [پوش]» بر بالای کوهی مقدس (که بومیان معتقدند نباید هیچ آسیبی به درختان بلوط آن کوه رساند) با خشکه‌چین سنگی ساخته شده است. بنا از دو بخش تشکیل شده ۱. خشکه‌چین سنگی مرکزی که در مواقع خاصی با روشن کردن شمع در آنجا نذر خود را ایفا می‌کنند. ۲. خشکه‌چین پیرامون نیایشگاه مرکزی که مانند راهرویی آن را احاطه کرده است. به نظر می‌رسد کارکرد این راهرو، جداکردن

نذر و نیازی که داشته با پای برهنه دور آن طواف می‌کرده است (Garousi, 1976).
 پلان چرمینه سوار شباهت‌های بسیاری با زیارتگاه‌های چهل داره قدیم (شکل ۱۰) و چهل داره جدید (شکل ۱۱) نزدیک روستای بلوران در کوه‌دشت لرستان و از مراکز مهم اهل حق دارد (Mohammadian et al., 2016). در چهل داره، سنگچین بیرونی محوطه مقدس را حیاط محوطه و به محوطه مقدس مرکزی «کولین» گویند که در مرکز آن اجاقی ساده با آثار روشن‌نمودن مکرر آتش مقدس در آن ایجاد شده است

(Mohammadian et al., 2016) در صحن بابا خوشین نیز کولین‌هایی به نام‌های «چهار ملائک» و «رزبار» ساخته شده که فضایی برای افروختن آتش در آن ایجاد کرده‌اند (Mohammadian et al., 2016). جالب اینکه آتش‌بیگی‌ها از خاندان‌های بزرگ اهل حق (Modaresi Chahardehi, 1989) طی مراسمی در روستای گره‌بان کرمانشاه در کنار جایگاه ویژه «اجاق حضرت آقابخش» به ستایش قدیسین می‌پردازند (Salām e No, 2021).



شکل ۱۱. پلان چهل داره جدید (Mohammadian et al., 2016)



شکل ۱۰. پلان چهل داره قدیم (Mohammadian et al., 2016)

کارکرد مذهبی داشته باشند؟ لاقلاً با بررسی‌های معاصر، مشخص شده اجاق سنگ‌چین داخل سیاه‌چادر بزرگ، جایگاه معنوی خان را در میان عموم مردم نشان می‌دهد؛ به‌طوری‌که برای شفای بیماران بدان متوسل می‌شوند (Aghaie et al., 2018).

۶-۳- برآیند

ساسانیان از خاندان روحانی بودند و در هنر ساسانی نیز اندیشه مذهبی تجسم یافته است؛ مثلاً پشت سکه‌های ساسانی نقش آتشدان و روی سکه‌ها تصویر شاهان با نشانه‌های ویژه معمولاً مذهبی دیده می‌شود (Sarfraz & Avarzamani, 2000). با این وصف با آمدن اسلام ضرابخانه‌ها با تغییرات اندکی تا مدت‌ها همچنان آتشدان را نقش کردند و رفته‌رفته در ربع

معماری خشک‌چین سنگی قدمت بسیاری دارد (Khosrozadeh & Bahraminia, 2018) که نمونه‌هایی آن از دوره تاریخی معرفی شده‌اند؛ مانند نمونه‌های فراوانی از دوره‌های اشکانی و ساسانی در دهلران (Neely, 2016). تقریباً همه پژوهشگران به این ساختارهای معماری فصلی و موقت به‌عنوان سکونتگاه‌های جوامع دام‌پروران کوچرو اشاره کرده‌اند، اما هیچ‌کدام به این مسئله نپرداخته‌اند که آیا این جوامع کوچرو به‌خصوص در دوران تاریخی به پرستشگاه در محل استقرار خود نیاز داشته‌اند یا خیر؟ این در حالی است که برای نمونه در سکونتگاه‌های فصلی مقنیاں یزد به نام «بوکن» نمازخانه‌ای تعبیه شده است (Piri Ardakani, 2017). با این وصف جوامع کوچرو اگر به پرستشگاه نیاز دارند، پس در بین آثار شناسایی‌شده کدام یک از معماری‌های سنگ‌چین می‌تواند

بناها مانند آتشکده‌ها به اماکن مذهبی مانند بقاع متبرکه تغییر کاربری دادند. یکی از مهم‌ترین مسائلی که در تهدید به تخریب آتشکده‌ها مدنظر مسلمانان بود، توجه به مسائل مالی و برای زرتشتیان رهایی از جزیه بود؛ همان‌گونه که خالد بن ولید پس از فتح سرزمین‌های مختلف در نامهای به بزرگان ایرانی می‌نویسد: «حال به فرمان ما درآیید تا شما را با هر چه دارید در زمینتان به خودتان واگذار کنیم و از شما بگذریم و به دیگری بپردازیم» (Tabari, 1939).

۴- نتیجه‌گیری

پادشاهان از سده سوم تا هفتم میلادی با کنار هم قراردادن اقوام مختلف ایرانی بیش از چهار سده در سرزمین پهناور ایران توانستند تاریخ ساسانی را رقم زده و فرهنگ ایران را غنا بخشند. با برافتادن نظام سیاسی ساسانیان، اعراب خلافت را پی‌ریزی کردند و با ساخت اماکن مذهبی یا با تغییر کاربری تعدادی از بناهای پیش از اسلام، به اشاعه دین خود پرداختند. اعراب در این مورد برای ساخت بناهای خود بسیار وابسته به ویژگی‌های فرهنگی سرزمین‌های مفتوحه بودند؛ از این‌رو معماری مذهبی اسلامی از فرم‌های ایرانی تبعیت می‌کرد، اما یکی از راه‌های نگهداری نیایشگاه‌های ایرانی پیش از اسلام، تغییر کاربری آنها به عبادتگاه‌های اسلامی برای حفظ حریم قدسی پیشین آنها بود. از آنجا که امروزه در برخی اماکن مقدسه به‌صورت اتفاقی پایه‌های آتشدان به دست آمده- که روزگاری در مرکز آتشکده قرار داشته- نشان می‌دهد بناهای ایرانی با کارکرد جدید به حیات خود ادامه داده‌اند.

با تسلط اعراب به ایران بنا بر اطلاعات منابع تاریخی با بناهای مذهبی دو نوع برخورد شد: اول تخریب تعدادی از آنها بیشتر با انگیزه‌های مذهبی و نیز کسب درآمدهای اقتصادی، دوم تغییر کارکرد پیشین مذهبی آنها به اماکن متبرکه به‌منظور حفظ مکان قدسی پیشین و ادامه کارکرد آن در قالب جدید. این اتفاق اگرچه طی چند سده اولیه اسلامی در جاهای مختلف دیده می‌شود، بیشتر تغییر کارکرد از نوع تغییر کارکرد بناهای مذهبی پیش از اسلام به اماکن متبرکه اسلامی، در ربع پایانی سده ۱ هجری/ ۷ میلادی با شکل‌گیری شخصیت فرهنگی

آخر سده یکم هجری/ هفتم میلادی این سنت تغییر یافت. بررسی‌های باستان‌شناختی نشان می‌دهند خلافت اسلامی از ربع آخر سده ۱ هجری/ ۷ میلادی شخصیت فرهنگی خود را در عالم یافت (Jones, 2012). در طی آن ۷۵ اول هجری/ ۷ میلادی، اعراب و ایرانیان به دنبال راهی برای کنار آمدن با هم بودند. در این میان، دهقانان با نقل روایات ملی و تاریخی در حفظ فرهنگ ایرانی بسیار کوشیدند (Spuler, 1990). درواقع دهقانان با اداره امور محلی در دوره ساسانی خود را برای دوران جدید آماده ساختند (Fāzelipour, 2001). پس از ورود اعراب گروهی از دهقانان با بستن عهدنامه زمین‌های خود را حفظ کردند (Kātib, 1988). پیروزی عباسیان به‌ویژه در خراسان مرهون یاری‌های همین دهقانان بود (Dinawari, 1992; Gardizi, 1936). اعراب و خلفای اموی، برای انسجام و قوام مبانی اداری و اجتماعی خود از دهقانان بهره بردند (Mohammadi Malayeri, 1996).

دیوانیان بر تمامی اسناد دولتی و مکاتبات و فرمان‌های سلطنتی و جمع و خرج مالیات و امور محاسباتی نظارت داشتند (Christensen, 1988). این قشر عمدتاً با حفظ دین آبا و اجدادی خود، به‌عنوان جزئی از اهل ذمه، جزیه پرداخت می‌کردند. گروهی دیگر از دهقانان به اسلام گرایش پیدا کرده و با این تصمیم از پرداخت جزیه نجات یافتند (Sha'bani, 2001). در دوره‌های اسلامی، شمال شرقی ایران محل عمده تجمع نیروهای ملی شده بود که از جانب خاندان سامانی حمایت می‌شدند. با اهمیت جایگاه حقوقی و کم‌رنگ شدن شخصیت حقیقی در دوره ساسانی مقام رهبری دهقانان حفظ شد (Altheim & Ruth, 2003) و در چنین محیطی سنت‌های ملی زنده ماند. همچنین با صلح و امنیت نسبی در ولایات ایران، برای هوش و خرد ایرانی امکانی فراهم ساختند تا با خودآگاهی به آزادی دست یافته و خویشتن خویش را جلوه دهند (Spuler, 2009). با این وصف به نظر می‌رسد پس از برخوردهای دین نو و جبهه‌گیری در مقابل پرستشگاه‌های ایرانی درنهایت در نیمه دوم و به احتمال در ربع آخر سده ۱ هجری/ ۷ میلادی بود که به‌عنوان راهی برای نگهداری بنا و جلوگیری از تخریب، برخی

این مقاله حاصل بخشی از نتایج پایان‌نامه علی هژبری برای اخذ درجه دکتري دانشگاه تهران با راهنمایی دکتر حسن کریمیان با عنوان «ساختار اجتماعی و سازمان اعتقادی ایرانیان در قرون اولیه اسلامی؛ مطالعه موردی: تطور معماری آتشکده‌ها و پرستشگاه‌های زردشتی» است. از آقایان دکتر جواد نیستانی و دکتر کمال‌الدین نیکنامی، دکتر محمداسماعیل اسماعیلی جلودار، دکتر مهدی موسوی کوهپر، دکتر مجید منتظر ظهوری برای راهنمایی‌های ارزنده و برطرف کردن برخی اشکالات بسیار سپاسگزاریم.

منابع مالی

منابع مالی این پژوهش از طریق مشارکت نویسندگان تأمین شده است.

تعارض منافع

وجود ندارد.

معماری اسلامی صورت گرفته است. این مهم با کشف تعدادی آتشدان از بناهای دوران اسلامی قابل پیگیری است. با این وصف با استناد به مدارک ارائه‌شده در این پژوهش به نظر می‌رسد بنیادهای فرهنگ ایرانی با تنش‌های سیاسی در اوایل دوران اسلامی (مانند دوره میانه اسلامی با تغییرات سیاسی دوره ایلخانی- تیموری) همچنان توانست با اندک تغییراتی به حیات خود ادامه دهد. از آن جمله اگرچه دین زرتشتی دیگر دین رسمی کشور نبود، بسیاری از عناصر معماری ایرانی مانند گنبد و ایوان، همچنان در سازه‌های دوران اسلامی باقی ماند. در این میان علاوه بر تغییر کاربری برخی بناها، برخی شاخه‌های عرفانی در نقاط مختلف از سنت‌های پیش از اسلامی تأثیراتی زیادی گرفته و تداوم یافته است. شاید بتوان گفت همان‌گونه که هویت معماری ایرانی از دوران تاریخی شکل گرفته بود، با تغییرات سیاسی در دوره‌های بعدی اگرچه دچار تطور شد، با قوت به هویت ایرانی خود ادامه داد.

سپاسگزاری

References

- A'lam, Ne'mat Ismaeil. (2007). *Arts of the Middle East in the Islamic era*. Abas-ali Tafazoli (Tr.). Mashad: Astan Qods RazaI.
- Abu Dulaf, M. a. i. a. M. a. K. (1975). *Safarnāmeḥ* (S. A. Tabatabaī, Trans.). Tehran: Zavār .
- Abu Rayhān Biruni, M. i. A. (1991). *Āthār al-Bāqiya* (A. Dānā-Seresht, Trans.). Tehran: Amir-Kabir .
- Afzali Shāh-Ibrāhimi, G. (1973). *Daftar-e Romūz-e Yārsān (Ganjine-ye Soltān Sahāk)*. Tehran: Rāsti .
- Aghaie, B., Hesari, M., & Karami, H. (2018). The Characteristics of Pastoral-Nomadism Architecture: A Measure for the Ethnoarchaeological Studies. *Journal of Archaeological Studies*, 10(1), 21-40 .
- Al Farahidi, a. K. i. A. (1985). *Kitab al-'Ayn* (M. M. a. E. Sameraei, Ed.). Ghom: Hijrat .
- Al Ghāzi, M. (1980). *Āein e Yāri*. Tehran: Tahouri .
- Al Mas'āni, A. A. a. K. (1963). *Al-Ansāb. Ed. 'Abd al Rahmān ibn Yahyā al Mo'alemi al-Yamāni*. Hyderabad: Majles Dayerat al-Ma'āref al-Osmāniyeh .
- Altheim, F., & Ruth, A.-S. (2003). *The History of Economy in the Sasanian Government* (H. Sadeghi, Trans.). Tehran: Elmi o Farhangi .
- Anisi, A. (2007). *Earley Islamic Architecture Iran (637-1059), Thesis in PhD* University of Edinburgh.
- As'adi, M. (1988). *Beyt al-Maqdis*. Tehran: Bonyād-e Dayerat al-Ma'āref Islāmi & Markaz-e Nashr-e Dāneshgāhi .
- Asgari Chavardi, A. (2013). *Archaeological Research of the Persian Gulf Coast: Lāmerd and*

- Mohr, Fars. Shiraz: Shiraz University of Arts and Sobhan .
- Asl, B. M., Farzin, A. A., Javadi, S., & Barati, N. (2018). Architectural Basics of Imams Descendants' Holy Shrines in Iran. *Bagh-E Nazar*, 15(64), 5-14 .
- Attār of Nishapur, F.-a.-D. (1957). *Tazkirat al-Awliyā* (R. Nicolson, Ed.). Tehran: Markazi .
- Bahā-al-Dini, M. A. i. H. N. (2002). *Anvār al-Mosha'sha'in fi dekr Sherāfat Ghom va Ghomi* (Vol. 3). Ghom: Mar'ashi-ye Najafi Library .
- Balkhī, I. (1995). *Fārs-Nāme* (M. R. Fasāi, Trans.; G. L. S. a. R. A. Nicholson, Ed.). Shiraz: Boniyad-e Fārs-shenasi .
- Bier, L. (1986). The Masjid-i Sang near Dārāb and the Mosque of Shahr-i Īj: Rock-Cut Architecture of the Il-Khanid Period. *Iran*, 24(1), 117-130 .
- Burgan, M. (2010). *Great Empire of the Past, Empires of Ancient Persia*. New York: Chelsea House Publisher .
- Carter, R. A., Challis, K., Priestman, S. M. N., & Tofighian, H. (2006). The Bushehr Hinterland results of the first season of the Iranian-British archaeological survey of Bushehr Province, November-December 2004. *Iran*, 44(1), 63-103 .
- Choksy, J. k. (2014). *Conflict and Cooperation: Zoroastrian Subalterns and Muslim Elites in Medieval Iranian Society* (N. Mirsaedi, Trans.). Tehran: Ghoghnus .
- Christensen, A. E. (1988). *Iran dar Zamān-e Sāssaniān* (R. Yāsemi, Trans.). Tehran: Amir-Kabir .
- Creswell Keppel, A. C. (1969). *Early Muslim Architecture I: Umayyads A.D. 622-750* (2 Vols.). London: Oxford University Press.
- Dinawari, A. H. A. i. D. (1992). *Al-Aḥbār al-ṭiwāl* (M. M. Dāmḡani, Trans.). Tehran: Ney .
- Eqtedāri, A. (1974). *Diḡār-e Shahriārān* (Vol. 2). Tehran: Anjoman-e Āthār-e Melli .
- Ettinghausen, R. O. G. (2002). *Islamic Art and Architecture, 650-1250* (Y. Āzhand, Trans.). Tehran: SAMT .
- Farshchian, R. (2005). *The pioneers of Shi'ism in Iran, with a detailed approach to the Ash'arites*. Qom: Zā'er .
- Farzin, A. (2007). *Historical, Natural, Cultural Landscape of Lorestan*. KhoramAbad: Cultural Heritage and Tourism Organization .
- Fāzelipour, T. (2001). *History of Agriculture in Iran during the Sasanian period*. Tehran: Pazhuhandeh .
- Forsat al-Dowle Shirazi, M. N. (1998). *Āthār-e Ajam* (M. R. Fasāi, Ed. Vol. 2). Tehran: Amir-Kabir .
- Frye, R. N. (2006). *The Period from the Arab Invasion to the Saljuqs. The Cambridge History of Iran* (H. Anousheh, Trans.). Tehran: Amir-Kabir .
- Galdieri, E. (1976). Some Information from Nizām-ol Molk Dom in Masgid-i Gum'a Isfaha. *Farhang-e Me'māri-ye Iran*, (2-3), 33-49 .
- Gardizi, A. S. (1936). *Zayn al-akhbār* (M. i. A. W. Qazvini, Ed.). Tehran: Ketāb-Khāne-ye Adab .
- Garousi, A. (1976). Bahram Fire Temple and a Survey of the Historical Geography of the Areas around Kheyr Village. *Barresi-hāye Tārikhī*, (66), 199-237 .
- Gaube, H. (1980). Im Hinterland von Siraf: Das Tal von Galledar/Fal und seine Nachbargebeite. (L'arrière-pays de S.: la vallée de G./F. et régions voisines). *Archäologische Mitteilungen aus Iran Berlin*, 13, 149-166.
- Ghāzi, A.-Y. Y. (1979). *Al-Kharāj* (A. M. Sediq, Ed.). Beirut: Dār al-Ma'refat .
- Ghazvini Rāzi, A. i. F. (1984). *Mo'jam al-Maghābis al-Loghat* (A. a.-S. M. Hāroun, Ed.). Ghom: Tablighāt-e Islami .
- Ghomi, H. i. M. (1982). *Tārikh-e Ghom (History of Ghom)* (H. i. A. Ghomi, Trans.; S. J. a.-D. Tehrani, Ed.). Tehran: Tous .
- Gignux, P. (1985). The Sasanian Bullae in the Qar-I Abu Nasr (Collection for Metropolitan Museum

- of Art). In *Acta Iranica (Papers in Honor of Prof. Mary Boyce)* (Vol. XXIV, pp. 195-215).
- Gignux, P. (1991). The Abnūn-e Māhān, Etod of Inscriptions Sasanian. *Studia Iranica*, XX(1), 9-22.
- Godard, A., Godard, Y., Siroux, M., & al, e. (1988). *Āthār-e Iran* (A.-H. S. Moghadam, Trans.; Vol. 4). Mashhad: Āstān-e Ghods-e Razavi.
- Golvin, L. (1997). Al-Aqsa Mosque in Jerusalem. *Honnar*, (33), 392-427.
- Grenet, F. (2005). Discovered a Relief Sasanian in the North of Afghanistan. *Comptes Rendus des séances de L'Academie des Inscriptions et Belles-Lettres*, (149-1), 115-134.
- Haji Ghasemi, K. (2004). *Ganjnāmeḥ*. Tehran: Shahid Beheshti University.
- Hamidi, S. J. (1985). *History of Jerusalem*. Tehran: Amir-kabir.
- Hassaneyn Dashti, S. M. (2006). *Ma'āref va Ma'ārif (Islamic Encyclopedia)* (Vol. 10). Tehran: Arāyeh.
- Hillenbrand, R. (2008). *Islamic Architecture; Form, Function and Meaning* (B. Ā.-o.-l.-Z. Shirazi, Trans.). Tehran: Rozaneh.
- Hoag, J., & Henry, M. (1996). *Stylistics Architecture Art in the Lands of Islamic Region* (P. Varjavand, Trans.). Tehran: Elmi va Farhangi.
- Hosseyni Fasāi, M. H. (2003). *Fārs-Nāma-ye Nāseri* (M. S. Fasāi, Ed.). Tehran: Amir-Kabir.
- Hozhabri, Ali. (2022). Social Structure and Iranian Belief Organization in the Early Islamic Centuries; Case study: Evolution of Fire Temples Architecture and Zoroastrian Temples. Thesis of PhD in Archaeology. University of Tehran (Unpublished).
- Ibn al-Faqih, A. i. M. (1970). *Mukhtasar Kitāb al-Buldān* (H. Masoud, Trans.). Tehran: Bonyād-e farhang-e Iran.
- Ibn Fandoq, Z. a. D. A. I. H. (1938). *Tārikh-e Bayhaq* (A. Bahmanyār, Ed.). Tehran: Foroughi.
- Ibn Ḥawqal, M. A. I.-Q. (1966). *Ṣūrat al-Arḍ* (J. f. Sho'ar, Ed.). Tehran: Bonyād-e farhang-e Iran.
- Ibn Hisham, A. M. A. a.-M. (1956). *Sirat ai-Nabaviyeh* (E. A. a. A. b. a.-H. S. Mostafa al-Saghā, Ed. Vol. 4). Beirut: Dār al-Ma'rafah.
- Ibn Ishāq, M. (2008). *Sirat al-Ibn Ishāq*. Ghom: Tebyān.
- Ibn Sekkit, Y. i. I. (1992). *Tartib-e Eslāḥ al-Manteq* (Bokāi, Ed.). Mashhad: Majma' al-Bohuth.
- Ibn Uthmān, M. (1954). *Ferdos'ol Morshediyeḥ fi Asrār'ol Samadiyeh* (I. Afshār, Ed.). Tehran: Dānesh.
- Imanpour, M., Nasrollahzadeh, S., & Alizadeh, K. (2014). The Sassanid and the Policy of Zoroastrian of Armania. *Tahqiqāt-e Tārikh-e Ejtemā'i*, 3(2), 99-120.
- Istakhri, A. I. I. (1968). *Masalik al-Mamalik* (I. Afshār, Ed.). Tehran: Bongāh-e Tarjome va Nashr-e Ketāb.
- Jalali Moghadam, M., & Safavat, D. (1993). "Ahl-e Hagh" *Islamic Encyclopedia* (Vol. 10). Tehran: The Centre for the Great Islamic Encyclopedia.
- Jalili, S. A. (2003). Introduction of a Special and Rare Type of Pottery that Was Used in the Architecture of the Early Islamic Era in the Central Region of Iran. *Athar*, (25), 131-11 Δ
- Jones, J. (2012). Archaeology and the History of Early Islam: The First Seventy Years. *Pazhuhesh-haye Bāstānshenāsi-ye Modares*, (8), 162-175.
- Judi, K. o. N., Garazhian, O., & Rezaei, M. (2011). Prehistoric Burial Methods in the Establishment of Qala Khān (North Khorasan) with Emphasis on the Bronze Age. *Payām Bāstānshenās*, (15), 57-72.
- Kānpouri, M. A. a. R. (1969). *Barmakyān* (M. T. a. R. H. Budrājā, Trans.). Tehran: Sanāi.
- Karimi Vaghef, R. (2016). *Encyclopedia of Hadj and Haremeyn-e Sharifeyn* (Vol. 8). (Tehran: Mash'ar.
- Karimian, H. (2000). Mosques of the early Islamic centuries in the ruins of the ancient city of Bam. *Masjed*, (51), 52-57.

- Karimian, H. (2004). Mosques of the early centuries A.H in the Sasanian capital of Bishabour. *Masjed*, (82), 58-64 .
- Karimian, H., & Seyedin, S. (2016). Continuation of the process of turning the fire temple into a mosque until the seventh century AH, case study: Darab Stone Mosque. *Bāstānshenāsi-ye Iran*, (3), 24-39 .
- Karimian, H., & Seyedin, S. (2017). The Process of Turning Two Fire Temples into Mosques in Izdikhast and Estakhr based on Existing Historical Evidence and Sources. *Iranian Studies*(6), 78-98 .
- Kātib, A.-F. G. i. J. f. (1988). *Al-Khrāj va al- San 'at al-Ketāba*. Beirut: Dār al-Ihyā al-Torath al-Arabi .
- Keall ,E. (2002). Islam's Debt to Parthian Art. *Athar*, (33-34), 54-67 .
- Khosroshahi, J. (1993). "Ayasofya". *Islamic Encyclopedia*. Tehran: The Centre for the Great Islamic Encyclopedia .
- Khosrozadeh, A., & Bahraminia, M. (2018). Continuation of Nomadic Life from Prehistoric Era to the Present in the Miānkuh Area of Ardal Region; Based on Archaeological Evidence. *Jāme'e-Shenāsi-ye Tārikhi*, 10(1), 123-147 .
- Kiani, M. (1998). *History of Iranian Architecture in the Islamic Period*. Tehran: SAMT .
- Lakpour, S. (2011). *Dareh-Shahr (Seymareh)*. Tehran: Pazineh .
- MacKenzie, D. N. (1993). The fire altar of happy* Frayosh. *Bulletin of the Asia Institute*, 7, 105-109 .
- Mirkhvānd, M. i. K. (2001). *Habib al-siyar* (J. A.-D. Homaei, Ed. Vol. 4). Tehran: Khayyām .
- Mirzā Abolghasemi, M.-S. (2011). Pasargadae inscriptions in the Islamic period. *Soffeh*, (52), 79-88 .
- Modaresi Chahardehi, N. a.-D. (1989). *Khāksār va Ahl-e Hagh*. Tehran: Eshrāghi .
- Moghniyeh, M. (1981). *Tafsir al-Kashshaf*. Beirut: Dār-ol Elm-ol Lemalāin .
- Mohammadi Malayer, M. (1996). *Iranian Civilization and Culture: Before Islam and its Impact on Islamic Civilization and Arab literature*. Tehran: Tous .
- Mohammadian, F., Salehi Kakhki, A., & Nowrouzadeh Chegini, N. (2016). Process and How to Form Yārsān Ritual Architecture *Athar*, (72), 93-108 .
- Mokri Jeyhunabadi, H. N. (1982). *Hagh al-Haghāyegh (True Book of Kings)* (M. Mokri, Ed.). Tehran: Jeyhoun .
- Moradi, Y. (2009). Chahār Tāqi of Mileh Milegeh, A Fire-temple from the Sassanian Era. *Journal of Archaeological Studies*, 1 . ۱۸۳-۱۵۵ ,(۱)
- Mostafavi, M. (1968). *Altar of Fire in the Islamic Holly Shrine* 5th International Congress of Iranian Art and Archaeology, Shiraz .
- Narshakhi, A. B. M. (2008). *The History of Bukhara* (A. N. A. i. M. i. N. Al-Qobadi, Trans.; M. Razavi, Ed.). Tehran: Tous .
- Neely, J. A. (2016). Parthian and Sasanian settlement patterns on the Deh Luran plain, Khuzistan Province, southwestern Iran. *Iranica Antiqua*, 51, 235-300 .
- Nishaburi, A. H. a. (1996). *Tārikh e Nishapur* (M. i. H. K. Nishaburi, Trans.; M. S. I Kadkani, Ed.). Tehran: Āgah .
- Obeidi, J. A. (2002). *Al Mofasal fi al Tārikh al 'Arab Ghabl Islam (Detailed in the History of the Arabs before Islam)*. Beirut: Dar Al-Saqi .
- Peymān, S. H. (2000). *Economics and Management in the Mirror of the Written History of Iran (from the Umayyads to the Mongols)*. Tehran: Vāihqi .
- Piri Ardakani, N. (2017). Bouken: Traditional Settlements of Moghaniān (Sample of Ardakān Bouken). *Dānesh hāye Boumi ye iran*, (8), 163-194 .
- Pirnia, M. (2003). *Stylistics of Iranian Architecture* (G.-H. Me'māriān, Ed.). Tehran: Pazhuhandeh-Me'mār .

- Pirnia, M. (2008). *The Iranian Architecture* (G.-H. Me'mariān, Ed.). Tehran: Soroush-e Dānesh .
- Pope, A. U. (2003 a). Introduction. In *A Survey of Persian Art, From Prehistoric Times to the Present. (Architecture of the Islamic Period)* (Vol. 3). Tehran: Elmi va Farhangi .
- Pope, A. U. (2003 b). *Persian Architecture* (G.-H. S. Afshār, Trans.). Tehran: Soroush .
- Quran, T. H .
- Qureyshi Carin, H. (2010). *Qom from the beginning of the Qajar period to the Constitution*. Qom: Zā'er .
- Rahbar, M. (2006). 'Is the Imamzadeh of Mohammad Wali Beyg Village a Fire Temple?' Abstract of the Articles of the Third Conference of Young Archaeologists and an Overview of the Archaeological Landscape of Khorasan and Bam (S. Zare, Ed.). Tehran: Iranian Cultural Heritage, Handicraft and Tourism Organization .
- Safizadeh, S. (1996). *Letter to the End or Kalām-e Khazāneh (one of the ancient texts of Yārsān)*. Tehran: Hirmand .
- Salām e No. (2021). *Did you know that Garebān Village is a Shrine Site of the Ahl-e Hagh?* www.salameno.com/xcCqXx
- Sarfaraz, A., & Avarzamani, F. (2000). *Iranian Coins: From the Beginning into the Zandiyeh Era*. Tehran: SAMT .
- Schroeder, E. (2008 a). The Seljuq Period (N. Dariyābandari, Trans.). In *A Survey of Persian Art, From Prehistoric Times to the Present. (Architecture of the Islamic Period)* (Vol. 3, pp. 1193-1250). Tehran: Elmi va Farhangi .
- Schroeder, E. (2008 b). Standing Monuments of the First Period (N. Dariyābandari, Trans.). In y. A. U. P. a. P. Ackerman (Ed.), *A Survey of Persian Art, From Prehistoric Times to the Present. (Architecture of the Islamic Period)* (Vol. 3, pp. 1145-1179). Tehran: Elmi va Farhangi .
- Sediqi, G. H. (1996). *Iranian Religious Uprisings in the Second and Third Centuries AH*. Tehran: Pāzhang .
- Seyed Moradi, S. A. (2011). *Iranian Culture and Art in Samarkand and Bukhara*. Tehran: Farhang-e Sabz .
- Seyf al Dowleh, S. M. (1985). *Safarnāme-ye Makkeh* (A.-A. Khodāparast, Ed.). Tehran: Ney .
- Sha'bani, R. (2001). *A Brief Review of the History of Iran*. Tehran: Sokhan .
- Sheykhi, A., & Āshuri, M. (2014). Continuation of the Role of Sassanid Motifs in the Analysis of Three Plastering Works of the Seljuk Period (Case Study: The Altars of Robat Sharaf and Gonbad Sangan Mosque). *Nāme-ye Honar-haye Tajasomi va Kārbordi*, (13), 61-80 .
- Shokouhi, M. (1991). Converting two Fire Temples into Mosques. *Bāstānshenāsi va Tārikh*, (2), 66-52 .
- Siroux, M. (1980). The Evolution of Rural Mosques in the Isfahan Region. *Athar*, (1), 52-78 .
- Soheyli, A. a. R. i. A. (1992). *Al Roz al Anf fi Sharh al Sirat al Nabaviyeh* (A. a.-R. al-Vakil, Ed.). Beirut: Dār al-Ehyā al-Torath al-'Arabi .
- Spuler, B. (1990). *Iran in the Earley Islamic Period* (J. Falaturi, Trans.; Vol. 2). Tehran: Elmi va Farhangi .
- Spuler, B. (2009). *The Evolution of Persian Historiography* (Y. Āzhand, Ed.). Tehran: Gostareh .
- Tabari, M. I. J. (1939). *Tarikh al Omam wa al Moluk*. Cairo: Mat'abata al-Esteghama .
- Tabarsi, H. i. F. (1991). *Makarim al Akhlāgh*. Ghom: al-Sharif al-Razi .
- Talbot Rice, D. (2002). *Islamic Art* (M.-M. Bahar, Trans.). Tehran: Elmi o Farhangi .
- Tavoosi, M. (1996). The Altar of Fire of Barm-e Delak and its Historical Consequences. In *Proceedings of the First Collection of Languages, Inscriptions and Ancient Texts* (pp. 205-212). Tehran: Iranian Cultural Heritage Organization .
- Tavoosi, M., & Frye, R. N. (1989). An Inscribed Capital Dating from the Time of Shapur I. *Bulletin of the Asia Institute*, (3), 25-38 .

- Tofighian, H. (2004). *Bushehr Archaeological Survey and Identification Report. Iran UK Joint Team*. Documentation Center and Library of the Archaeological Research Institute .
- Tofighian, H. (2017). A Research on the Newly Discovered Sasanian Fire-Altar from Persian Gulf Beaches. *Pazhohesh ha ye Bāstānshenāsi ye Iran*, (12), 195-210 .
- Vanden Berghe ,L. (1977). The Chāhār Taqs in the Pusht-I Kuh, Luristan. *Iranica Antiqua*, (12), 75-190 .
- Weber, Ursula (2016). *The Inscription of Abnun and its Dating to the Earley Days of Shabuhr I*. Word and Symbols, Sasanian Object and the Tabarestan Archive (Res Orientales. 24). Leuvev: Peeters.
- Whitehouse, D. (2009). *Siraf History, Topography and Environment* (The British Institute of Persian Studies Archaeological Monographs Series 1), London: Oxford University Press.
- Ya'qubi, A. A. A. (2002). *Kitab al Buldan* (M.-E. Āyati, Trans.). Tehran: Elmi va Farhangi .
- Yücel, E. (1986). *Ayāsofyā Museum*. Istanbul: Akbank Yayinlari .
- Yusefian, N .m. (Dateless). *Ahkam e Hoghughi ye Islam*. Tehran: Sepah Pasdaran-e Inqelab-e Islami .
- Zamani, A. (1976). *The Impact of Sasanian Art on Islamic Art*. Tehran: Ministry of Culture and Arts .
- Zarkoub Shirāzi, M. i. a. D. A. (1971). *Shirāz Nāme*. Tehran: Boniyād-e Farhang-e Iran .
- Zarrinkoub, A. (1978). *Search in Iranian Sufism*. Tehran: Amir-Kabir .
- Zarrinkoub, A. (1998). *The Value of Sufism Heritage*. Tehran: Amir-kabir .